

تحلیلی اجتماعی از اهتمام به امور مسلمانان بانگه به آیت و روایت

مهدی محمدی صیفار

چکیده

آیات و روایات متعددی به دستگیری توانگران معنوی و مادی از ناتوانان سفارش می‌کند. این مسئله نه تنها در سخن، بلکه در عمل و رفتار پیامبر عظیم‌الشأن صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تبلور داشت. تا آنجا که هیچ‌گاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به درخواست‌کنندگان «نه» نگفت. بارها حضرت علی علیه السلام نیاز دیگران را به خود و خانواده‌اش مقدم داشت و ائمه دیگر نیز همین‌طور. این مقاله با تحلیل برخی از کارکردهای اجتماعی «اهتمام به امور مسلمانان» در پی آن است که برآوردن نیاز دیگران به زمان و مکان و فرد خاصی محدود نیست و در همه زمان‌ها و مکان‌ها جاری و اهمیت و جایگاه بسیار والایی دارد و البته با پیچیدگی و پیشرفت جوامع، اهمیت آن بیشتر شده و با توجه به کارکردهای مهم اجتماعی آن، نیاز است که نه تنها تک‌تک افراد، بلکه سازمان‌ها و مؤسسه‌های خیریه برای رسیدگی به مشکلات معنوی و مادی انسان‌ها اقدام کنند تا جامعه و مشکلات آن افراد را از رسیدن به کمال باز ندارد.

معنا و مفهوم «اهتمام به امور مسلمانان»

واژه «امر» به معنای «کار، کار و بار، حال، شأن، حادثه و پیشامد» آمده است. ^(۳) جمع «امر» - به این معنا - «امور» است. ^(۴) بعضی «امور» را به معنای «نیازها و مشکلات و گرفتاری‌ها» هم گرفته‌اند. این معانی از آنجا نشأت می‌گیرد که «امر» به معنای کار باشد؛ چرا که کار به معانی حاجت، احتیاج و

«اهتمام» از ماده «همم» (هم) مصدر باب افتعال است و هنگام استعمال در آن باب، به معنای «خواستن، دوست داشتن و آهنگ کردن» به کار می‌رود. ^(۱) «اهتمام» به معنای تلاش و کوشش، توجه و عنایت نیز آمده است. ^(۲) هرگاه کسی برای انجام کاری همت گمارد و تلاش یا اقدام کند، اهتمام به کار کرده است.

پیشامد ناگوار نیز آمده است. (۵)

معنای کلمه «مسلمان» نیز روشن است؛ هر کسی به اسلام گرویده باشد به او «مسلمان» گویند.

در نتیجه، «اهتمام به امور مسلمانان» یعنی: تلاش و اقدام برای برآوردن نیازها و حل مشکلات مسلمانان. به عبارت دیگر، «اهتمام به امور مسلمانان» یعنی: «خدمت کردن»، و آن عبارت است از: اقدامی از سوی یک فرد یا سازمان در جهت تأمین نیازمندی‌های افراد یا گروه‌هایی خاص. (۶)

«اهتمام به امور مسلمانان» مفهوم عامی است که مترادف‌های زیادی از جمله تعاون، خدمات اجتماعی، دیگریاری و رفاه اجتماعی را شامل می‌شود و تنها فرق اندکی با آنها دارد. «تعاون» به معنای یکدیگر را یاری کردن، همدستی و دستگیری آمده است. (۷) تعاون معنای یاری رساندن به دیگران و در مقابل، یاری گرفتن از آنها و کمک متقابل را می‌رساند. بنابراین، در تعاون، کمک متقابل وجود دارد و معمولاً اقدامی جمعی در جهت هدف مشخص و مشارکت در نفع و حاصل به دست آمده است. (۸)

در معنای «اهتمام به امور مسلمانان» کمک متقابل وجود ندارد، بلکه هر کسی یا گروهی مورد خطاب قرار گرفته است تا در حد توان، در تأمین نیازهای آنان بکوشد، بدون اینکه انتظار کمک متقابل داشته باشد. این معنا با «دیگریاری» مترادف است و آن کمک کردن به دیگران بدون داشتن انتظار یاری از کمک گیرنده یا بدون تصور سهم و نفعی است. (۹)

«رفاه اجتماعی» جزو «سیاست‌های اجتماعی» است که دولت‌ها برای آسایش مردم جامعه خود به کار می‌گیرند و شاخص‌هایی برای آن تعریف کرده‌اند. علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی نیز تشکیل شده‌اند تا در جهت رفاه مردم جامعه بکوشند. چنین اقداماتی که هم از سوی دولت و هم سازمان‌ها و مؤسسه‌های غیردولتی برای تأمین نیازهای مسلمانان صورت می‌گیرد، از موارد «اهتمام» شمرده می‌شود. آنگاه که «خدمت» را به معنای «کارکردن برای کسی» بگیریم، «خدمات اجتماعی» نیز مترادف با «اهتمام» خواهد بود.

چند نکته

اول. اهتمام به امور مسلمانان، که در روایات به صورت جمع آمده، بدین معنا نیست که باید برای رفع گرفتاری‌های جمعی از مسلمانان کوشید و نه یک فرد. هم عقلاً و هم نقلاً - چنان‌که بعدتر در روایات دیگری ذکر خواهد شد - این عنوان فرد را نیز شامل می‌شود؛ یعنی کمک فرد به فرد یا جمع و یاری رساندن جمع (گروه، مؤسسه، سازمان) به فرد یا جمع یا اقدامات دولت

برای تأمین نیازهای فردی و جمعی از موارد اهتمام شمرده می‌شود. حداقل سطح کمک به دیگری در رابطه با دو فرد معنا می‌یابد و میان آن دو کنش و واکنش رخ می‌دهد.

دوم. سفارش به تأمین نیازهای مسلمانان به عنوان وظیفه‌ای الهی به عهده هرکسی (اعم از فرد، گروه، جامعه و دولت) گذاشته شده و در آن نباید هیچ چشمداشت مادی در نظر گرفته شود. با توجه به اینکه افراد جمعی زندگی می‌کنند و وظایف و کارها میان افراد انسانی تقسیم شده است و هر کسی کاری بر عهده دارد، انتظار آن است که برای برقراری عدالت و رفع تبعیض و فقر و فساد و ایجاد همبستگی و الفت میان خود، به حل مشکلات مادی و معنوی یکدیگر اقدام کنند. وقتی پاداش اخروی و جهت الهی داشتن نیز مطرح می‌گردد، انسان‌ها باید بیشتر به یاری هم، بدون منت، بشتابند و در انجام کار خیر، از همدیگر پیشی بگیرند و آنگاه است که انس و الفت میان آنان ایجاد می‌شود و بنیان‌های جامعه هرچه بیشتر استحکام می‌یابد. سوم. متفاوت بودن استعدادهای انسانی، منزلت‌های اجتماعی و ماهیت زیست اجتماعی (تقسیم کار و اشغال به شغل‌های مختلف) اقتضا می‌کند که افراد جامعه به همدیگر نیازمند باشند. رسیدگی به امور دیگران مبتنی بر نیاز، و نیاز لازمه اجتماعی زیستن انسان است. انسان‌ها نیازهای متنوعی دارند که می‌توان آنها را به «نیازهای دنیایی» (معنوی یا روانی و مادی) و «اخروی» تقسیم کرد. منظور از «نیازهای دنیایی مادی»، نیازهای جسمانی است؛ مانند نیاز به غذا، مسکن، ازواج و کار. «نیازهای دنیایی معنوی یا روانی»، مثل نیاز به احقاق حق، ایمنی، برقراری صلح و دوستی، روابط عاطفی و شاد کردن است. «نیازهای اخروی»، احتیاج‌های انسان‌ها در رابطه با آخرت و رسیدن به سعادت و کمال است و شامل نیازهای فکری، عقیدتی و دینی می‌شود. حل مشکلات عقیدتی، انسان‌ها را در رسیدن به سعادت و کمال یاری می‌کند و این یکی از امور مهمی است که به طور مستقیم با سعادت انسان‌ها رابطه دارد. در واقع، از جمله مشکلات انسان امروزی، از جمله برخی مسلمانان، گرفتار آمدن در چنگ نگرش‌های مادی به جهان و به حاشیه راندن دین در زندگی است.

چهارم. در برخی از روایات، سود رساندن به طور اعم (با لفظ «ناس») آمده است که نشان می‌دهد خدمت کردن باید با در نظر گرفتن اولویت باشد. به عبارت دیگر، می‌توان چنین استنباط کرد که خدمت به مسلمانان در درجه اول و غیر مسلمانان در درجه بعدی قرار دارد، یا در میان مسلمانان، باید بر اساس شدت و ضعف نیاز و تأثیر مشکلات آنها بر جامعه و پیشبرد اهداف دولت اقدام کرد. (۱۰)

پنجم. در طول زمان، امور مسلمانان فرق می‌کند و مسائل تازه‌ای بروز می‌نماید که لازم است آن مسائل شناخته شود و سپس برای حل آنها اقدام گردد. دامنه این نیازها و مشکلات گاهی کوچک است که تأمین آنها از عهده گروه کوچکی برمی‌آید، ولی گاهی نیز دامنه مشکلات چنان گسترده است که تلاش همگانی یا دولتی یا اهتمام مؤسسه‌های خیریه را می‌طلبد، به ویژه آنکه اساس پیدایش مؤسسه‌های خیریه به گستردگی و پیچیدگی نیازها در عصر کنونی برمی‌گردد.

تحول خدمات اجتماعی

در جوامع پیشین و سنتی، که زندگی اجتماعی پیچیده نبود و روابط اعضا چهره به چهره بود، خانواده و قبیله مفهوم و جایگاه ویژه‌ای داشت. هرگاه کسی نیازی داشت یا به مشکلی برمی‌خورد، خانواده، قبیله یا جامعه او آن مشکل و نگرانی و اضطراب را برطرف می‌کرد. در کنار اینها، نهادهای مذهبی نیز به صورت‌های گوناگون به ارائه خدمت می‌پرداختند. نکته مهم آن است که به خاطر سادگی روابط و محدود بودن نیازها، ضرورت ایجاد مؤسسه‌ها و نهادهای سازمان یافته وجود نداشت و افراد جامعه با پی‌روی از فطرت انسانی خود و سفارش‌های اکید ادیان، به یاری دیگران می‌شتافتند. با تشکیل جوامع شهری و اجتماع‌های بزرگ، این نیاز پیدا شد تا خدمات اجتماعی دولتی شود. با ظهور انقلاب صنعتی و پدید آمدن شدن روابط اجتماعی و شیوه‌های زندگی، این نیاز ضروری تر گشت و در پی گسترش انسان‌های درمانده، بیچاره، ناتوان و بی‌سرپرست، سازمان‌ها و مؤسسه‌های دولتی و غیردولتی بسیاری به وجود آمدند که به خدمات اجتماعی می‌پرداختند. بدین روی، دولت‌ها مجبور به طرح و اجرای برنامه‌های اجتماعی شدند، به گونه‌ای که اکنون این امر جایگاه اجتناب‌ناپذیری در جوامع امروزی و حتی قوانین اساسی آنها دارد. اکنون نه تنها سازمان‌هایی در داخل کشورها تأسیس شده، بلکه برخی از این سازمان‌ها در سطح بین‌المللی به فعالیت مشغولند و این امر نشان از جایگاه ویژه خدمت‌رسانی دارد.

آنگاه که خورشید اسلام طلوع کرد، یکی از سفارش‌های اولیه و اکید آن به گروندگان و حتی به دولت اسلامی، پایدن پیران، بی‌سرپرستان، یتیمان، گرسنگان و بیماران بود. این مسئله در آیات و روایات و نیز در سیره معصومان علیهم‌السلام کاملاً مشهود است.

جایگاه اهتمام به امور مسلمانان در اندیشه اسلام
آیات و روایات متعددی با عنوان‌های گوناگون (از قبیل انفاق،

احسان، صدقه، زکات، صله رحم و اصلاح امور میان مسلمانان) درباره این موضوع حقوقی - اخلاقی آمده است. علاوه بر آن، سیره معصومان علیهم‌السلام در اهتمام به امور مسلمانان و جامعه اسلامی، نشانگر جایگاه والای این ارزش اجتماعی در میان نظام ارزشی و هنجاری اسلام و تأثیر آن در ایجاد همبستگی و تحکیم روابط اجتماعی است. برای روشن شدن مطلب و درک اهتمام اسلام به این موضوع، آیات و روایاتی که در این باره آمده است، ذکر می‌گردد. البته پیش از آن، باید گفت: گستردگی موارد اهتمام، عناوین متعدد و ذکر آنها مجال کافی می‌طلبد. بدین روی، برای طولانی نشدن بحث، چند آیه و روایت - به عنوان نمونه - ذکر می‌شود. موارد دیگر نیز می‌تواند تحت این نمونه‌ها قرار بگیرد یا بیان کارکرد و تحلیل آنها به موارد دیگر نیز سرایت داده شود:



الف. آیات

در خصوص این موارد، آیاتی در قرآن کریم آمده است:

۱. صله ارحام: صله رحم یکی از واجبات شرعی است که آیات و روایات متعددی بر وجوب آن دلالت دارد و با عنوان‌های گوناگون، همانند توصیه به رعایت حقوق ارحام، احسان به پدر و مادر و به ویژه مادر، به تشریح مسئله صله رحم پرداخته شده است؛ از جمله آیه ۲۸ سوره بقره می‌فرماید: «کسانی که عهد خدا را پس از محکم بستن آن می‌شکنند و روابطی را که خدا به پیوند آن امر کرده است می‌گسلند و در روی زمین فساد می‌کنند آنان زیان‌کارند».

از امام صادق علیه السلام درباره این آیه سؤال شد، حضرت فرمود: مراد از «امر خدا» صله رحم است و تاویل دیگر آیه ارتباط شما با ائمه اطهار علیهم السلام است. (۱۱)

افراد جامعه برای ارضای نیازهایشان با هم روابط اجتماعی دارند. منظور از «روابط اجتماعی» کمک متقابل انسان‌ها به یکدیگر برای تأمین نیاز است. (۱۲) نیازهای عاطفی و نیازهای مادی از جمله نیازهایی است که افراد در ارتباط با یکدیگر و به ویژه در ارتباط با فرزندان، پدر و مادر و خویشان آن را تأمین می‌کنند. از این رو، صله رحم از موارد مهمی است که اسلام به انجام آن دستور داده است تا بدین طریق، بخش مهنی از روابط عاطفی و آرامش روانی افراد جبران شود یا بخشی از مشکلات مادی آنها از بین برود.

۲. اطعام: «و به خاطر دوستی خدا، به فقیر و اسیر و یتیم طعام می‌دهند.» (انسان: ۸)

۳. حمایت از مستضعفان مؤمن: «و چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید، در صورتی که جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک شما، که در مکه اسیر ظلم کفارند، دایم می‌گویند: بار خدایا! ما را از این شهری که مردمش ستم‌کارند بیرون آور و از نزد خودت برای ما سرپرست قرار ده و از نزد خودت برای ما یار و یاور قرار ده.» (نساء: ۷۵)

۴. اقدامات اصلاحی از سوی مصلحان جامعه: «خدا هیچ قومی را هیچ اهل دیاری را در صورتی که آنها مصلح و نیکوکار باشند به ظلم هلاک نکند.» (هود: ۱۱۷)

ب. روایات

همان‌گونه که آیاتی درباره انفاق، زکات، صله رحم، احسان، اصلاح و مانند آن آمده است و از موارد اهتمام به امور مسلمانان به شمار می‌روند، روایاتی نیز در قالب‌های متعدد، از جمله عجله در کار خیر، نصیحت، سود رساندن و شاد کردن آمده است که به این امر، ترغیب و تشویق می‌کنند از جمله آنها روایات ذیل است:

۱. به زحمت انداختن خود برای دیگران: امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار است مؤمن دارای هشت خصلت باشد... بدنش از او به خاطر بسیاری عبادت و قضای حوایج مردم در رنج و مشقت باشد. (۱۳)

۲. آسایش مردم از دست مؤمن: در ادامه روایت قبلی، امام علیه السلام می‌فرماید: و مردم از سوی او در آسایش باشند. (۱۴)

۳. عجله در کار خیر: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پدرم می‌فرمود: چون اراده کار خیر کردی بشتاب؛ زیرا نمی‌دانی چه پیش می‌آید. (۱۵)

۴. اهتمام به امور مسلمانان: شرط مسلمانی: پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر کس صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد، از آنان نیست، و آنکه صدای مردی را بشنود که صدا می‌زند: ای مسلمانان! و پاسخ ندهد، مسلمان نیست. (۱۶)

۵. سود رساندن به مردم: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: کدام یک از مردم نزد خدا محبوب‌تر است؟ فرمود: آنکه نسبت به مردم سود بیشتر داشته باشد. (۱۷)

۶. شاد کردن مردم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردم عیال خدایند و محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که به عیال خدا سود رساند و خانواده‌ای را شاد کند. (۱۸)

۷. رفع بلا از مسلمانان: حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر کس از گروهی از مسلمانان تجاوز آب یا آتش را رد کند، بهشت برایش واجب می‌شود. (۱۹)

۸. قضای حاجت مسلمانان: امام ششم فرمود: آنکه در پی [برآوردن] حاجت برادر مسلمانش باشد، خداوند در پی حاجت او باشد تا زمانی که به دنبال حاجت مسلمان است. (۲۰)

۹. مؤمن برادر مؤمن است: امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است؛ مانند یک پیکر که هرگاه عضوی از آن دردمند شود، اعضای دیگر هم احساس درد کنند، و روح‌های آنها نیز از یک روح است. و همانا روح مؤمن پیوستگی‌اش به روح خدا، از پیوستگی پرتو خورشید به خورشید بیشتر است. (۲۱)

۱۰. مؤمنان خادم یکدیگرند: امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنان بعضی خادم بعضی دیگرند. سؤال شد: چگونه؟ فرمود: به یکدیگر سود می‌رسانند. (۲۲)

۱۱. پوشاندن، سیر کردن، گشایش غم و غصه و ادای قرض: حضرت ابی جعفر علیه السلام فرمود: سیر کردن، پوشاندن، گشودن غم و ادای قرض از حقوق مؤمن بر مؤمن شمرده می‌شود، و هرگاه از دنیا رفت، جانشین او در خانواده و فرزندان باشد. (۲۳)

۱۲. تلاش برای حاجت مؤمن: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در [برآوردن] نیاز برادر مسلمانش به خاطر لقای خداوند بکوشد، خدای - عزوجل - برای او هزار هزار حسنه بنویسد که خویشانش و همسایگانش و برادرانش [دینی] و آشنایانش آمرزیده شوند. (۲۴)

روایات دیگری نیز در این باره در کتب حدیثی از جمله ثواب الاعمال، سفینه البحار و امالی شیخ طوسی آمده است.

اصول حاکم در اهتمام به امور مسلمانان

اهتمام به امور مسلمانان در اندیشه اسلام با دیگر اندیشه‌ها تفاوت اساسی دارد. به دلیل آنکه اسلام انسان را متشکل از روح

و جسم می‌داند و برای او دنیای دیگری را نیز ترسیم می‌کند، انجام کارها توسط انسان را به این دنیا محدود نکرده، بلکه نسبتی میان آنها و آخرت برقرار می‌سازد. توضیح آیات و روایاتی که در باب اهتمام آمده، در قالبی غیر از بینش‌های مبتنی به این دنیا (این جهانی) می‌گنجد و از این رو، اصولی بر آن حاکم است که پیش از توضیح باید یادآور شد.

۱. ایمان به خدا و آخرت

نظریه‌هایی که درباره ارزش‌گذاری اخلاقی افعال انسان مطرح شده، این جهانی است؛ مثلاً طرفداران مکتب «منفعت عمومی» (سودگرایی)، که از جمله آنهاست، اعتقاد دارند: ما نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن دیگران، زندگی راحتی داشته باشیم. طبیعت انسان اقتضا می‌کند که به طور اجتماعی زندگی کند و این زندگی اجتماعی سرنوشت افراد را به هم مرتبط

تعیین سعادت، به تناقض‌هایی می‌رسند که به هیچ وجه نمی‌توانند آنها را حل کنند.

اما با توجه به جهان‌بینی اسلام، که از یک سو، «رابطه انسان با مبدأ» و از سوی دیگر، «رابطه انسان با معاد» را مطرح می‌کند، معنای «سعادت» هم در این چهارچوب قابل توجیه است و می‌توان گفت: در بیشتر موارد، «فلاح» را سعادت اخروی معرفی می‌کند. (۲۷) بنابراین، آیات یا روایاتی که در آنها پادشاه‌های متعددی برای عمل نیک و اهتمام به امور دیگران مطرح گردیده و سعادت برای آن ترسیم شده است در قالب اعتقاد به مبدأ و معاد معنا می‌یابد. اگرچه از منافع دنیوی آن هم نباید غافل گشت؛ چراکه اسلام به آن به عنوان وسیله و مزرعه آخرت اهمیت داده است. بدین روی، بسیاری از کارهای نیک وجود دارد که پادشاه آنها در این دنیا متناسب با آن کارها نیست و عدالت اقتضا می‌کند که در دنیای دیگری به آنها پادشاه داده شود.



۲. اخلاص

«اخلاص» مترتب بر ایمان است. کسی که مال خود را به دیگران می‌بخشد و اوقات خود را صرف نیازمندان می‌کند، اگر علاوه بر ایمان، اخلاص نداشته باشد، پادشاه‌های مورد انتظار از بین می‌رود. کمک به دیگران برای رضا و دوستی خداست که سبب پالایش رذایل اخلاقی و رسیدن به سعادت می‌شود و او را در یاری رساندن، صبور، گشاده‌رو، صادق و بی‌ریا می‌کند.

می‌سازد. بنابراین، اگر خواهان لذت خودمان هستیم، باید به فکر لذت دیگران هم باشیم؛ زیرا اگر جامعه ناراحت شود و همه مردم ناراحت باشند، ما هم راحت نخواهیم ماند. (۲۵) مقصود ایشان از «سود عمومی»، لذت عموم افراد یا ارضای امیال آنان است. ایشان هدف اخلاق و خیر اخلاقی را سعادت می‌دانند و سعادت را نیز به تأمین بیشترین سود برای بیشترین افراد تعریف می‌کنند. (۲۶)

یکی از اشکال‌های وارد بر این مکتب، در نظر نگرفتن منافع اخروی و فقط تأکید بر منافع دنیوی است و به این دلیل، سعادت بشر را هم به این دنیا محدود می‌کنند. با چنین نگرشی، توضیح روایات در قالب آن ناقص خواهد بود. غیر از آن، بر منافع دنیوی افراد برای پالایش انسان از رذایل اخلاقی ترغیب نشده است و به همین دلیل، اعمالشان آنها را به کمال و سعادت واقعی نخواهد رساند. در این زمینه، در ارزش‌گذاری افعال و نیز در

۳. علم و آگاهی (شناخت)

اهتمام به امور دیگران مستلزم شناخت و آگاهی کافی از مشکلات و نیازهای آنان است. عدم درک درست مشکل و نیاز و آگاه نبودن از زوایا و راه‌حل‌های آن، می‌تواند علاوه بر آنکه مشکل را برطرف نمی‌کند، به پیامدهای منفی نیز منجر شود. وقتی از لقمان علی‌ه السلام درباره علت نپذیرفتن مسئولیت قضاوت

پرسیدند، او در پاسخ گفت: مسئولیت داوری و حکومت در جامعه سخت‌ترین کار و مشکل‌ترین مسئولیت است و تاریکی و ابهام از هر سو آن را فرا گرفته و انسان بر لبه پرتگاه قرار دارد. این پاسخ و عدم پذیرش نشان از نداشتن شناخت کافی به تمام زوایای این مسئولیت است. (۲۸)

۲. رعایت اولویت‌ها

به دلیل آنکه افراد از لحاظ نزدیکی و دوری، درجات متفاوتی دارند، حقوق و تکالیفشان هم متفاوت است. آیه ۱۷۷ سوره بقره، ترتیب تقدّم انفاق به نیازمندان را (خویشان، یتیمان، مساکین، در راه‌ماندگان و گدایان) بیان می‌کند. یا در آیات دیگر هم با اندک تفاوتی به این رتبه‌ها اشاره دارد. این مسئله نشان می‌دهد که رسیدگی به امور افرادی که از حیث درجه نزدیک هستند مهم‌تر و لازم‌تر از درجات بعدی است و هر کسی موظف به اهتمام نسبت به خویشان، ارحام و بعد مراحل دیگر است. با رعایت اولویت‌ها، مسئولیت رسیدگی به طور مساوی میان اعضای جامعه تقسیم می‌شود و نیز با علم و آگاهی کامل، این کار صورت می‌گیرد.

کارکردهای معنوی اهتمام به امور مسلمانان

آثار و کارکردهای فراوانی در آیات و روایات برای موضوع مورد نظر آمده است. آثار مترتب بر آن، نشان از اهتمام اسلام به زندگی، روابط و همبستگی اجتماعی دارد. با توجه به بینش کارکردگرایانه، که آثار عینی عمل را در زندگی فردی و اجتماعی ارزیابی می‌کند، نقش و تأثیر این موضوع در آن روشن می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، با توجه به موارد زیاد اهتمام به امور مسلمانان، که در آیات و روایات آمده است، با استقرای ناقص، برخی کارکردهای کلی در اینجا ذکر می‌گردد که شامل بیشتر موارد اهتمام به امور مسلمانان می‌شود و پرداختن به آثار هر یک نیازمند مجالی دیگر است:

۱. کارکردهای صله رحم: صله رحم از موارد اهتمام به امور مسلمانان شمرده شده است. بدین روی، کارکردهایی برای آن ذکر شده است؛ از جمله: زیادی عمر، روزی، مال و نعمت، رفع فقر، تعاطف میان خویشان و جلب حمایت آنان و افزایش محبت در میان آنها. (۲۹)
۲. در امان بودن از شرّ قیامت: خداوند در آیه ۸ - ۱۱ سوره انسان می‌فرماید: «و به خاطر دوستی خدا، به فقیر و اسیر و یتیم طعام می‌دهند... خدا هم آنان را از شرّ و فتنه آن روز محفوظ داشت و به آنها روی خندان و دل‌شادان عطا نمود»
۳. دوستی خداوند: «تنها خدای یکتا را بپرستید و هیچ چیز را

شریک او نگیرید و نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه نزدیک و همسایه بیگانه و دوستان موافق و رهگذران و بندگان و پرستاران، که زیر دست شمایند، در حق همه، نیکی و مهربانی کنید که خداوند خودپسند و متکبر را دوست ندارد.» (نساء: ۳۶)

۴. عاقبت نیک: «مال و فرزندان زیب و زینت زندگانی دنیایند (و لیکن) اعمال صالح ماندگار، نزد پروردگار، بهتر و عاقبت آن نیک‌تر است.» (کهف: ۴۶) آیه ۷۶ سوره مریم نیز به همین مضمون است.

۵. رستگاری: «حقوق ارحام و خویشان و مسکینان و در راه ماندگان را اداکن که صله رحم و احسان به فقیران برای آنان که مشتاق لقای خدایند بهترین کار است و اینان رستگاران عالمند.» (روم: ۳۸)

۶. لقای خدا: در آیه مذکور، لقای خدا از آثار احسان دانسته شده است.

۷. پاداش بزرگ: «هیچ فایده و خیری در سخنان سزی آنها نیست، مگر آنکه به صدقه و نیکی یا اصلاح میان مردم سخن سزی گویند و هرکس که در طلب رضای خدا چنین کند به زودی خدا به او اجر بزرگ کرامت نماید.» (نساء: ۱۱۴)

۸. قوت قلب و اطمینان به آینده: «کسانی که مالشان را شب و روز و نهان و آشکار انفاق می‌کنند، نزد پروردگارشان پاداشی نیکو دارند و هرگز از حادثه آینده بیمناک و از امور گذشته، اندوهگین نخواهند گشت.» (بقره: ۲۷۴)

۹. آموزش: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: روز خود را با کار خیر آغاز کنید و در اول و آخر روز، بر فرشتگان گماشته خود نیکی املا کنید تا در آن میان، برای شما آموزش باشد، ان شاء الله. (۳۰)

۱۰. بهشت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از مسلمانان تجاوز آب یا آتش را برگرداند، بهشت بر او واجب می‌شود. (۳۱)

۱۱. گره‌گشایی خدا از کار گره‌گشا: امام صادق علیه السلام فرمود: آنکه در پی برآوردن نیاز برادر مسلمانش باشد، خدا حاجتش را برآورد تا وقتی که در پی حاجت اوست. (۳۲)

۱۲. دوستی: مأمون حارثی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ فرمود: از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن، دوستی اوست. (۳۳)

۱۳. برآوردن صد هزار حاجت از طرف خدا در قیامت: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند - عزّوجلّ - برخی از آفریدگانش را برای برآوردن نیازهای فقرای شیعه ما آفرید تا به سبب آن به بهشت وارد شوند. اگر توان داری که از آنان باشی، پس این کار را بکن. (۳۴)

۱۴. حج و عمره مقبول و روزه دو ماه و اعتکاف در

ثواب آزاد کردن هزار انسان را بنویسد، تا اینکه هنگام ورود به بهشت، خدا هشت در بهشت را به رویش بگشاید و به او گفته شود: از هر کدام که می خواهی وارد شو. اسحاق می گوید: به حضرت گفتیم: فدایت شوم! این همه ثواب برای طواف کننده است؟ فرمود: آری. آیا به تواز آنچه بافضیلت تر از این است، خبر بدهم؟ گفتیم: آری. فرمود: هرکس نیازی از برادر مؤمنش برآورد، خدا برایش ثواب ده طواف بنویسد. (۴۳)

۲۴. لباس بهشتی: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس برادرش را لباس زمستانی یا تابستانی بپوشاند، بر خدا حق است که از لباس های بهشتی به او بپوشاند. (۴۴)

۲۵. آسانی مرگ: در ادامه حدیث قبلی، امام علیه السلام می فرماید: و سختی های مرگ را بر او آسان گردانند. (۴۵)

۲۶. وسعت قبر: در ادامه حدیث آمده است: خداوند قبرش را گسترش دهد. (۴۶)



۲۷. ملاقات فرشتگان: در دنباله حدیث می فرماید: هنگامی که از قبرش بیرون می آید، فرشتگان را با بشارت ملاقات کند. (۴۷)

۲۸. توکیل هفت هزار فرشته از طرف خدا برای استغفار: امام صادق علیه السلام می فرماید: هرکس فردی از فقیران مسلمانان را بپوشاند یا با چیزی از غذایش او را یاری رساند، خدای عزوجل هفت هزار فرشته را وکیل کند تا برای هر گناهی که انجام داده است آمرزش بخواهند تا اینکه در صور دمیده شود. (۴۸)

مسجدالحرام: ابراهیم خارق می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرکس برای برآوردن نیاز برادر مؤمنش، برای طلب آنچه نزد خداست، اقدام کند تا آن نیاز را انجام دهد، خداوند برایش همانند ثواب حج و عمره مقبول و روزه دو ماه از ماه های حرام و اعتکاف آن دو ماه در مسجدالحرام را بنویسد. و آنکه به نیت تأمین نیاز گام بردارد و نتواند برآورد، خدا برایش همانند اجر حج مقبول بنویسد. پس در کار خیر یشتایید. (۳۵)

۱۵. ثبت ده حسنه: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در بر آوردن نیاز برادر مؤمنش تلاش کند، ده حسنه برایش نوشته می شود. (۳۶)

۱۶. محو ده سیئه: در ادامه روایت قبلی آمده است: ده سیئه برای صرف اقدامش از او محو می شود. (۳۷)

۱۷. ترفیع ده درجه: در ادامه روایت پیشین ترفیع ده درجه نیز ذکر شده است. (۳۸)

۱۸. شادی در قیامت: معمر بن خلّاد می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خدا روی زمین پندگانی دارد که برای نیازهای مردم می کوشند. آنان روز قیامت در امنیت هستند. و هرکس در دل مؤمنی شادی ایجاد کند، خدا دلش را روز قیامت شاد گرداند. (۳۹)

۱۹. هزاران هزار حسنه: حضرت جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: کسی که برای برای نیاز برادر مسلمانش به خاطر خدا بکوشد، خدای عزوجل برای او هزار هزار حسنه بنویسد که خویشان و همسایگان و برادران و آشنایانش آمرزیده شوند. (۴۰)

۲۰. هفتاد و دو رحمت: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکه از برادر مؤمن گرفتار تشنه کام خود، هنگام بی تابی اش فریادری کند و او را از گرفتاری نجات دهد و برای رسیدن به حاجتش او را یاری کند، خدای عزوجل به سبب آن کار، برایش هفتاد و دو رحمت بنویسد که یکی از آنها را برای اصلاح امر زندگانی او بدهد و هفتاد و یک رحمت را برای [دفع] فزع و ترس قیامت به تأخیر اندازد. (۴۱)

۲۱. گشایش غم های آخرت: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس از مؤمنی غمی بگشاید، در آخرت خدا از او غم هایش را بگشاید. (۴۲)

۲۲. میوه های بهشتی: در ادامه روایت قبلی، امام علیه السلام می فرماید: هرکس مؤمنی را طعام دهد، خدا از میوه های بهشتی به او دهد.

۲۳. ده طواف: اسحاق بن عمار می گوید: ابو عبد الله علیه السلام فرمود: ای اسحاق! هر کس این خانه [کعبه] را یک بار طواف کند، خدا برایش هزار حسنه بنویسد و هزار سیئه از بین ببرد و هزار درجه ترفیع دهد و هزار درخت در بهشت برایش بکارد و

۲۹. طول عمر: در این باره شهید مطهری می نویسد: «گناهان اجل را تغییر می دهند و احسان ها و نیکوکاری عمر را زیاد می کنند. یعنی با اینکه اجل و عمر به حکم قضا و قدر الهی تعیین شده اند، این امور عامل تغییر و تبدیل قضا و قدر می باشند.» (۴۹)

۳۰. افزایش روزی: «مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می کنند مثل دانه ای است که از یک دانه هفت خوشه برآید و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا از این مقدار نیز بر هر که خواهد، بیفزاید؛ زیرا رحمت خدا بی متناهیست و به همه چیز احاطه کامل دارد.» (بقره: ۲۶۱)

آثاری که ذکر شد، بسیاری مربوط به آخرت و برخی دنیوی بود. افزون بر اینها، به آثار اجتماعی شان نیز می توان اشاره کرد که با واسطه، از تشویق و ترغیب مردم و اعطای پاداش های اخروی در صورت رسیدگی به امور دیگران قابل استنباط است. بسیاری از این آثار نسبت به مصادیق و موارد اهتمام به امور مسلمانان (انفاق، صدقه، اصلاح و قرض الحسنه) هم پوشی دارد؛ ولی آنچه مهم است آثار اجتماعی مترتب بر آنهاست که با توجه به اهمیت آنها در روابط اجتماعی، مهم ترین آنها ذکر می شود:

کارکردهای اجتماعی اهتمام به امور مسلمانان

مهم ترین بحث مورد نظر پس از بیان کارکردهای اهتمام به امور مسلمانان، تبیین و برقراری چگونگی ارتباط میان آثار با علل آنهاست. ولی به دلیل آنکه برخی از آثار، همانند آثار اخروی آزمون پذیر نیست، نمی توان این ارتباط علی و معلولی نامعلوم را تبیین کرد. با این همه، اقدام مسلمانان به ارتباط با یکدیگر و اهتمام به برآوردن نیازها از جمله امور اجتماعی است که پیامدهایی اجتماعی - گرچه با واسطه - بر آنها مترتب است. برخی از آثار اجتماعی اهتمام به امور مسلمانان - هرچند ناقص - ذکر می گردد:

۱. الفت و برادری

آلن بیرو در تعریف «همبستگی اجتماعی» گفته است: «احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین همبستگی می تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان ها به طور کلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد. همبستگی حایز یک معنای اخلاقی است که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگر.» (۵۰)

دورکیم «همبستگی اجتماعی» را نوعی نظم خودبنیاد اجتماعی و اخلاقی می داند که در آن، افراد با هم پیوند یافته و هماهنگ باشند. (۵۱)

دو تعریف مذکور بیشتر به «پیوستگی و وابستگی افراد جامعه به یکدیگر» بر اساس نیاز و «فرهنگ و احساسات و عواطف» بر مبنای اخلاق و ارزش ها تأکید دارد. دورکیم وقتی درباره «نظم» سخن می گوید، آن را مقوله ای اجتماعی می داند که باید بر مبنای عنصر اخلاقی یا نظامی از عقاید و ارزش های جمعی باشد که کنش های متقابل مردم را در جهت اهداف یا منافع جمعی هدایت می نماید. (۵۲)

سپس دورکیم در زمینه پاسخ به عوامل همبستگی اجتماعی، دو نوع همبستگی مکانیکی و ارگانیکی (انداموار) را مطرح می کند. همبستگی مکانیکی از راه همانندی ایجاد می شود که نمونه بارز آن می تواند جامعه روستایی باشد. همبستگی در چنین جامعه ای مستحکم و نفوذناپذیر است. وجود ارتباطات بسیار نزدیک و چهره به چهره در آن و ایجاد وحدت درونی، افراد را برای رسیدگی به مصالح نوعی برمی انگیزاند. از سوی دیگر، وجود وجدان جمعی و احساسات مشترک در میان اعضای جامعه، فرد را در مشکلات و گرفتاری های اعضا شریک می سازد. (۵۳)

همبستگی ارگانیکی (انداموار)، که نمونه آشکارش جوامع صنعتی است، از راه تقسیم کار و ناهمانندی های مکملی، که در آن وجود دارد، حاصل می شود. (۵۴) دورکیم وجود تمایز اجتماعی افراد را با اندام های موجود زنده مقایسه می کند؛ چرا که اندام ها با آنکه هر کدام وظیفه خاصی بر عهده دارند و همانند نیستند، ولی همه برای حیات موجود زنده لازمند. (۵۵)

بنابر توضیحی که از «همبستگی اجتماعی» از دیدگاه دورکیم ذکر شد، می توان گفت: همبستگی بر اساس نوع اول، که از راه همانندی است، از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می کند. در جوامع مسلمان، که افراد بر اساس فرهنگ و ارزش های اسلامی، روابط اجتماعی خود را برقرار می سازند، الگوهای رفتاری، احساسات و عواطف مشترک می تواند منبعث از ارزش های اسلامی باشد و اعضا روابط خود را با توجه به آموزه های اخلاقی و ارزشی خود تنظیم کنند. در آن صورت، اهتمام به نیازها و مشکلات مسلمانان، به عنوان عملی عبادی و ضرورتی انکارناپذیر در جامعه تلقی می گردد که مورد پذیرش همگان واقع شده است. چنین عملی به طور غیرمستقیم، پیامدهایی در زندگی فردی و اجتماعی آنها برجای می گذارد که مهم ترین آنها احساس همدلی، انس و الفت و نیاز به یکدیگر است. امام صادق علیه السلام در روایتی مؤمن را برادر مؤمن می داند و

می‌فرماید: «مؤمن برادر مؤمن است؛ مانند پیکری که هرگاه عضوی از آن دردمند شود، اعضای دیگر هم احساس درد کنند و روح آنها نیز از یک روح است. و همانا روح مؤمن پیوستگی‌اش به روح خدا، از پیوستگی پرتو خورشید به خورشید بیشتر است.» (۵۶)

ارتباط صمیمانه با دیگران و تلاش برای تأمین نیازهای مسلمانان در حد امکان و - بنابر روایاتی - نیت و گام برداشتن برای تحقق نیازهای هم‌نوعان، دردها و نگرانی‌ها را کاهش می‌دهد و آنها را به پیوند مستحکم احساسات و اهداف مشترک سوق می‌دهد. نکته مهم در این ارتباط‌ها، آن است که در اسلام، گذشته از تأمین نیاز به خاطر هم‌نوع بودن، به خلوص نیت و الهی بودن قصد نیز سفارش شده است تا کمک‌کننده انتظار پاداش را تنها از خدا داشته باشد و کار را به نحو اکمل انجام دهد. در واقع، اهتمام به امور دیگران بر مبنای نظامی از عقاید و ارزش‌های اسلامی است که اعضای جامعه را در جهت اهداف جمعی، چه اهداف دنیایی یا آخرتی، هدایت می‌کند. در نتیجه،

نتیجه عقاید و اعمال مشترک است. اما عقاید مشترک، که سزاوار است اهل مدینه در آن اشتراک داشته باشند، سه بخش می‌باشند: ۱. اشتراک در مبدأ؛ ۲. اشتراک در انتها؛ ۳. اشتراک در بین مبدأ و انتها. «اشتراک عقیده در مبدأ» اشتراک در امر باری تعالی است و «اشتراک عقیده در انتها» اتفاق نظر درباره سعادت انسان است و «اشتراک عقیده در بین مبدأ و انتها» اشتراک عقیده در مورد افعالی است که با آنها سعادت تحصیل می‌شود. چنان‌که اهل مدینه فاضله در این اندیشه‌ها اتفاق نظر داشته باشند و این اتفاق نظر با افعالی تکمیل گردد که با آنها سعادت تحصیل می‌شود، ضرورتاً محبت به دنبال خواهد آمد. از طرف دیگر، چون اهالی مدینه فاضله در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، بعضی نیازمند بعض دیگر بوده و به یکدیگر نفع می‌رسانند، محبت ناشی از منفعت هم به دست خواهد آمد. آنان به دنبال اشتراک در فضیلت و بذل نفعی که به یکدیگر می‌رسانند، طبعاً از یکدیگر لذت می‌برند و بنابراین، به دنبال آن، محبت نیز حاصل می‌شود.» (۵۷)



وقتی خاستگاه احساس وابستگی و تعلق خاطر عمیق به دیگران و حل مشکلات آنها دین باشد و تلقی عبادی بودن به آن ضمیمه گردد، همه کارها و رسیدگی‌ها از ضمانت اجرایی مؤکدی برخوردار می‌شود. این نگرش مشکلاتی را که دامنگیر افراد در جوامع نوین است و معمولاً حل آنها مترتب بر سودهای متقابل ظالمانه است، تا حدی جبران می‌کند و انسان‌ها را برای دست یازیدن مشتاقانه به اقدامات مثبت، آن هم نه برای سودهای ظالمانه، بلکه برای خشنودی خدا و امید به آمرزش گناهان و پاداش اخروی برمی‌انگیزاند.

فارابی عامل ایجاد همبستگی را «محبت» می‌داند و آن را به «محبت طبیعی» (مانند محبت والدین به فرزند) و «محبت ارادی» تقسیم می‌کند. «منشأ محبت ارادی، به امور ارادی است. این امور عبارتند از: ۱. اشتراک در فضیلت؛ ۲. دستیابی به منفعت؛ ۳. دستیابی به لذت. در مدینه فاضله، محبت در درجه اول با اشتراک در فضیلت حاصل می‌شود و اشتراک در فضیلت

در آیات ۶۳ سوره فرقان و ۵۳ بنی اسرائیل، تأثیر رفتار نیکو و تواضع یا بدگویی و ستیزه‌جویی در تحکیم وحدت یا تشدید تفرقه و اختلاف بیان می‌شود. اگر در جامعه اسلامی، توانگران با اخلاص در خدمت ناتوانان قرار گیرند، فقرا و مساکین با پشتیبانی ثروتمندان به زندگی امیدوار می‌شوند و از مسیر احتمالی انحراف در امان می‌مانند. آنگاه است که اعضای جامعه خود را در سرنوشت یکدیگر مؤثر می‌دانند و ثمره چنین وضعیتی یکپارچگی خواهد بود. (۵۸)

۲. تقویت دین

«دین» آیینی است که دارای عقاید صحیح و مطابق با واقع است و رفتارهایی را که در رسیدن انسان‌ها به کمال و سعادت حقیقی تأثیر دارد، توصیه می‌کند. (۵۹) هدف از دین و عمل به احکام آن، رسیدن به کمال و سعادت («سعادت» به معنای رسیدن به قرب الهی) می‌باشد. دینی که دنیا و آخرت را با هم در نظر

می‌گیرد و عمل به احکام آن را در دنیا مقدمه آخرت می‌داند، حرکت طبق دین تقویت آن محسوب می‌گردد. «اهتمام به امور مسلمانان» از رفتارهایی است که طبق آیات و روایات، در وصول به کمال و سعادت تأثیر دارد. کسی که به این رفتار عبادی برای خشنودی خدا عمل کند، گامی اساسی برای تقویت دین برداشته است؛ چراکه هم به عمل عبادی اقدام کرده و هم عمل او در رابطه با انسان‌هایی است که در نظام ارزشی و هنجاری همانند قرار دارند و این همانندی زمینه‌های تقویت دین را به وجود می‌آورد. هر حرکتی که انسان‌ها را با آموزه‌های دین آشنا سازد و با اعمال خیر، محبتی در دل نسبت به دین به وجود آورد، در واقع دین را ترویج کرده و انسان‌ها را با آن آشنا ساخته است. تقویت ایمان سست‌باوران و ایجاد زمینه‌های هدایت و گرایش بیشتر به دین از نتایج مترتب بر آن است.

۳. کاهش فاصله طبقاتی

در کتاب تحلیلی اجتماعی از صلوة رحم، به معیارهای کلی حاکم بر روابط اجتماعی اشاره و از چهار اصل نام برده شده است: اصل اول «قسط و عدل» است که آیه الله مصباح در توضیح آن می‌گوید: هر فردی در صورتی حاضر است در زندگی اجتماعی مشارکت کند و فعالیتی برای دیگران انجام دهد که در منافع حاصل از آن شریک باشد. عقل هم حکم می‌کند که هر کس به اندازه‌ای که در زندگی اجتماعی و تحصیل مصالح مؤثر است، به همان اندازه، از نتایج آن بهره‌مند شود؛ یعنی عقل افراد را الزام می‌کند که کاری برای اجتماع انجام دهند. در مقابل حقی نیز به نفع آنان در اجتماع در نظر می‌گیرد و این همان عدل و قسط است. (۶۰)

اصل دوم «احسان» است و در توضیح آن آمده که وجود تفاوت میان افراد، نابرابری امکانات و زمینه‌ها و اوضاع اجتماعی برای شکوفایی همواره افراد قابل توجهی از جامعه را از امکان ورود به جریان تعاملی اصل اولی محروم می‌سازد. از این رو، برای پرکردن این خلأ و رفع محرومیت‌های بنیانکن و شکاف‌های تنش‌آفرین در نظام اجتماعی، لازم است برخی امکانات به صورت بلاعوض در اختیار آنان قرار گیرد. (۶۱) از جمله این امکانات بلاعوض، می‌توان به زکات، صدقه، انفاق و وقف اشاره کرد که هر کدام با کارکردهای مربوط به خود، بخشی از شکاف‌های موجود را پرمی‌کند.

خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل می‌فرماید: «همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشان امر می‌کند و از فحشا و منکر و ستم باز می‌دارد. خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید.» در این آیه، پس از مسئله «عدالت»، احسان و

بخشش به خویشان را یادآور می‌شود و از آن می‌توان فهمید که در کنار عدالت، باید احسان و بخشش نیز صورت گیرد تا افرادی که در موقعیت‌های نامتناسب و ناموزون قرار گرفته‌اند، به سطح عدالت نزدیک شوند.

مرحوم علامه جعفری در توضیح علت وجوب زکات می‌نویسد: «با نظر به علت تشریع زکات و سایر مالیات‌هایی که با عناوین دیگر در منابع اسلامی وارد شده است، این مطلب روشن می‌شود که اسلام مبارزه جدی با فقر و هرگونه محرومیت‌های مادی را مورد دستور قرار داده است. نمونه روایاتی که علت تشریع زکات را متذکر شده است، از این قرار است: زراره و محققین مسلم نقل می‌کنند که امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در اموال اغنیا برای فقرا حقی معین فرموده است که برای آنان کافی است. اگر کافی نبود، خداوند بر آن حق می‌افزود. پس بینوایی فقیران مربوط به حکم خدایی نیست، بلکه از آن جهت است که اغنیا آنان را از حق خود محروم کرده‌اند. اگر مردم حقوق واجب را ادا می‌کردند، فقرا به زندگانی شایسته‌ای می‌رسیدند. (۶۲)

روایات مربوط به اهتمام به امور مسلمانان، بیشتر فرد را مورد خطاب قرار داده‌اند. این خطاب نشان می‌دهد آنجا که دولت اسلامی به دلایلی نتواند عدالت اجتماعی را میان افراد برقرار سازد تا همه به طور یکسان از امکانات جامعه بهره‌مند گردند، وظیفه و تکلیف مسلمانان است که به نیازمندی‌های هم‌کیشان خود در حد توان رسیدگی کنند. به عبارت دیگر، اقدامات دولت اسلامی در تأمین نیازهای مسلمانان در سطح کلان، و اقدامات مردم در سطح خرد تبیین می‌شود. «تشریع این احکام [قرض، هبه، وقف، عاریه و مانند آن] و عمل به آنها در جوامع اسلامی می‌تواند تا حد بسیار، از بروز فقر جلوگیری کند و بسیاری از مشکلات اقتصادی آنان را حل کند، تا جایی که عده‌ای معتقدند: اگر به این قوانین به طور کامل عمل شود، ریشه فقر از جوامع اسلامی کنده خواهد شد. با وجود این، ممکن است به دلیل حرص و زیاده‌خواهی و میل به انباشت ثروت، کسانی نفع خود را در فقر و محروم نگه داشتن بخشی از جامعه ببینند... در چنین مواردی، که حکومت از تأمین عدالت اجتماعی به هر علت ناتوان است، اسلام اتحاد جامعه اسلامی را مخاطب قرار می‌دهد و به حمایت از یکدیگر فرا می‌خواند و با تشریع وظایف و تکالیف فردی، تک تک مسلمانان را به پشتیبانی از نیازمندان مکلف می‌کند.» (۶۳)

۴. ایجاد آرامش روان در افراد جامعه

مهاجرت، شهرنشینی، تقسیم کار تخصصی، ارتباطات پیچیده،

۵. جلوگیری از انحراف‌های اجتماعی

بر اساس نظریهٔ مازلو، انسان‌ها دارای نیازهای اساسی (فطری) از جمله نیازهای جسمی، نیاز به روابط اجتماعی، تأیید و احترام، ایمنی و خویش‌یابی هستند. نیاز به غذا خوردن، آشامیدن، مسکن، روابط جنسی و مانند آن از جمله نیازهای جسمی می‌باشند. اگر این نیازها ارضا نشود و فرد با محرومیت مواجه گردد، به تدریج می‌کوشد تا از راه‌های غیر هنجارمند آنها را برآورده سازد. نیاز به برقراری روابط دوستانه با دیگران،



FARS

وابستگی فرد به گروه را افزایش می‌دهد و به محبوبیت داشتن در میان دیگران متمایل می‌سازد. از این طریق است که می‌کوشد خود را با هنجارهای آن گروه و جامعه سازگار گرداند. در صورت عدم ارضای این نیاز، تمایل فرد به کج‌روی افزایش می‌یابد. (۶۵)

در سایر موارد نیز اگر نیازهای اساسی فرد با محرومیت روبه‌رو شود، احتمال انجام اعمال کج‌روانه بیشتر می‌شود. آمارهای متعدد در رابطه بین محرومیت‌های گوناگون با اعمال انحرافی، بیانگر این نکته است. اگر در جامعه‌ای رفق و فتق امور دیگران و توجه به آنها گسترش یابد و انسان‌هایی - حتی به صورت گروهی و سازمان یافته - به این کار اقدام کنند، جلوی انحراف‌های زیادی در جامعه گرفته می‌شود. بنابراین، برای پایان دادن و دست‌کم کاهش اضطراب‌ها، افسردگی‌ها،

تسلط نگرش‌های سودگرایانه در روابط انسانی، ضعف بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی، کاهش ارتباطات عاطفی، و احساس نیاز وابستگی به سازمان‌ها به جای خانواده و افراد را می‌توان از علل فردگرایی و خودمحوری و عدم نیاز احساس نیاز به دیگران دانست. این ارتباطات مصنوعی، هیچ‌گاه نیازهای عاطفی افراد را اشباع نمی‌کند و اختلال‌ها و نارسایی‌های شخصیتی، اخلاقی و رفتاری بسیاری را به وجود می‌آورد. آنگاه است که افراد به همدیگر احساس تعلق نمی‌کنند و برای ارضای نیازهای عاطفی خود، به دنبال بدیل‌هایی می‌گردند که هیچ تأثیری در پرورش آنها ندارد. از این‌رو، اسلام به عنوان دینی اجتماعی به این نیاز اساسی توجه کافی کرده و به تربیت انسان‌هایی که به نیازهای عاطفی دیگران حساسند، اهمیت داده است. سفارش به رسیدگی نسبت به نیازهای دیگران در جامعهٔ صنعتی امروز اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه ایجاد ارتباط عاطفی در انسان‌ها، هم در پرورش نسل و آرامش روان برای آنها و هم در سیر به طرف کمال و سعادت، که هدف آفرینش انسان است، نقش دارد. ایجاد ارتباط از طریق عاطفه و اخلاق، آرامش روان و ارتباط وثیق اجتماعی را به وجود می‌آورد. در این زمینه، انسان‌های خودمحور، خودخواه و خودبین به شدت در منابع اسلامی نکوهش شده‌اند؛ چراکه آنها جز به منافع و مشکلات خود نمی‌اندیشند و از این‌رو، نه از دیگران حمایت می‌کنند و نه مورد حمایت واقع می‌شوند.

در کتاب آئاتومی جامعه، استدلال شده است که هرچه پیچیدگی روابط بیشتر شود، ارضای نیازها بیشتر دچار اختلال می‌گردد و هرچه ارضای نیاز بیشتر دچار اختلال گردد، احساس ناکامی در افراد و اعضای جامعه بیشتر می‌شود. آنگاه نتیجه می‌گیرد که هرچه ناکامی افراد بیشتر شود، انواع انحرافات پیش می‌آید. سرانجام، در این زنجیره از روابط علی، پیدایش رفتارهای انحرافی در روابط اجتماعی ریشه دارد و تعداد قابل توجهی از مسائل روانی افراد در نهایت، از مسائل اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. (۶۴)

با توجه به این مطلب، باید گفت: نظام اخلاقی در جوامع سنتی و صنعتی با ویژگی‌های خاص خود و ویژگی روابط اجتماعی انسان‌ها در آنها تغییر نمی‌پذیرد و در هر صورت، اسلام به ارتباط عاطفی و حمایت‌های مادی و معنوی از همدیگر سفارش می‌کند تا بدین وسیله، نیازهای متعدد افراد بیشتر اشباع شود، به ویژه نیازهای روانی که امروزه افراد زیادی با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند.

تنهایی‌ها، انحراف‌های اجتماعی و هزاران بیماری روانی دیگر،
نیازمندیم تا دست همدیگر را به صمیمیت بفشاریم و از هیچ
کمک خیرخواهانه دریغ نورزیم.

۶ ایجاد امید به زندگی

انسان‌ها همواره با امید زنده‌اند و اگر امید به آینده نباشد، از
فعالیت و زندگی باز می‌ایستند. گاهی انسان‌هایی در عمر خود
آن قدر با گرفتاری‌ها، مصیبت‌ها و رنج‌ها مواجه شده‌اند که دیگر
امید به آینده و زندگی را از دست داده‌اند. توجه خویشاوندان،
آشنایان، دوستان و دیگران به چنین انسان‌هایی - دست‌کم پای
درد دل آنان نشستن - بارقه امید را در دل آنان روشن می‌سازد.
توانایی انسان‌ها در برابر سختی‌ها و مشکلات آن چنان زیاد
است که تحت‌ل آنها به تدریج، بر توانایی‌ها می‌افزاید؛ ولی آنچه
انسان‌ها را از پای درمی‌آورد، احساس تنهایی است. این درد،
توانایی را از آنها سلب می‌کند و آنها را بسان گوشتی متحرک در
می‌آورد. اما رسیدگی به یکدیگر بر مقاومت آنها می‌افزاید.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- جز خلیل، فرهنگ عربی لاروس، ج ۲، ص ۲۱۳۶.
- ۲- علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۸، ص ۵۱۴.
- ۳- غلامرضا انصاف‌پور، فرهنگ فارسی، ص ۷۰ / علی اکبر
دهخدا، پیشین، ج ۸، ص ۱۷۶.
- ۴- جز خلیل، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۸.
- ۵- محمد معین، فرهنگ معین، ج ۳، ص ۲۷۸۸.
- ۶- سید مجتبی عزیزی، تحقیقی در ابعاد مختلف نهضت
خدمات‌رسانی به مردم، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا
(معاونت سیاسی)، ۱۳۸۲، ص ۷.
- ۷- محمد معین، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۰۷.
- ۸- حمید انصاری، مبانی تعاون، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۱، ص ۱.
- ۹- همان، ص ۲.
- ۱۰- محمد زاهدی‌اصل، مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در
اسلام، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰، ص ۱۲.
- ۱۱- رک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، المكتبة الاسلامیه،
۱۳۸۹ ق.
- ۱۲- فرامرز رفیع‌پور، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی
انتشار، ۱۳۷۸، ص ۷۳.
- ۱۳- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، باب «خصال
المؤمن»، ص ۷۸.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- همان، باب «تمجیل فعل الخیر»، ص ۲۱۲.
- ۱۶- همان، باب «الاهتمام بامور المسلمین»، ص ۲۳۸.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- همان.
- ۱۹- همان، ص ۲۴۰.
- ۲۰- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۸۱-۴۸۲.
- ۲۱- همان، ج ۳، ص ۲۴۳-۲۴۲.
- ۲۲- همان.
- ۲۳- همان، ص ۲۴۵-۲۵۲.

- ۲۴- همان، ص ۲۸۲.
- ۲۵- محمدتقی مصباح، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و
پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶، ص ۶۸.
- ۲۶- مجتبی مصباح، بنیاد اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و
پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲، ص ۲۰۳.
- ۲۷- محمدتقی مصباح، پیشین، ص ۱۰۰-۱۰۱.
- ۲۸- علی شیخ مرحد، «خدمت‌رسانی: اصول و آثار»، مجله
اندیشه حوزه، ش ۳ و ۴، مشهد، دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۸۲،
ص نهم.
- ۲۹- سیدحسین شرف‌الدین، تحلیلی اجتماعی از صلوة رحم، قم،
دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۵-۱۷۹.
- ۳۰- محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۳، باب «تمجیل
فعل الخیر»، ص ۲۱۲.
- ۳۱- همان، ص ۲۳۸.
- ۳۲- همان.
- ۳۳- همان، ص ۲۴۵.
- ۳۴- همان، ص ۲۸۱.
- ۳۵- همان.
- ۳۶- همان، ص ۲۸۵.
- ۳۷- همان.
- ۳۸- همان.
- ۳۹- همان.
- ۴۰- همان.
- ۴۱- همان، ص ۲۸۶.
- ۴۲- همان.
- ۴۳- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ط. الثانية، دارالاسوه للطباعة
والنشر، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۴۸۲.
- ۴۴- محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، ص ۲۹۲.
- ۴۵- همان.
- ۴۶- همان.
- ۴۷- همان.
- ۴۸- همان.
- ۴۹- مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت، تهران، صدرا، ۱۳۶۸،
ص ۸۰.
- ۵۰- آکن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، ج
چهارم، تهران، کیهان، ۱۳۸۰، ص ۴۰۰.
- ۵۱- عبدالرسول یعقوبی، عوامل همبستگی و گسستگی ایرانیان،
قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳، ص
۲۲.
- ۵۲- همان، ص ۲۷ و ۲۸.
- ۵۳- ریمون آرون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی،
ترجمه باقر پرهام، ج ششم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص
۳۶۵-۳۶۶.
- ۵۴- عبدالرسول یعقوبی، پیشین، ص ۳۰.
- ۵۵- ریمون آرون، پیشین، ص ۳۶۲.
- ۵۶- محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۲۴۳.
- ۵۷- عبدالرسول یعقوبی، پیشین، ص ۴۱ و ۴۲.
- ۵۸- محمد زاهدی‌اصل، پیشین، ص ۷۹.
- ۵۹- محمد حسین‌زاده، مبانی معرفت دینی، ج دوم، قم، مؤسسه
آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰، ص ۱۷ و ۱۸.
- ۶۰- سیدحسین شرف‌الدین، پیشین، ص ۳۴.
- ۶۱- همان، ص ۳۵.
- ۶۲- محمدتقی جعفری، ترجمه و شرح نهج‌الایلاخ، ج دوم،
تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۱۰۱.
- ۶۳- جمعی از مؤلفان، روان‌شناسی اجتماعی با تکیه بر منابع
اسلامی، تهران، حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳.
- ۶۴- فرامرز رفیع‌پور، پیشین، ص ۸۰.
- ۶۵- علی سلیمی و محمد داودی، جامعه‌شناسی کجروی، قم،
پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، ص ۶۶۳.